



گر بگوییم پس از شهرآورد ۹۵ پایتخت از هیچ چیز به اندازه توییت یک وزیر و اظهارات کم‌سابقه یک سرمربی، شگفت زده نشدیم و فضای تلخ و ناراحت کننده‌ای را به لیل تقابل به وجود آمده شاهد نبودیم، به طور حتم خود را فریب داده‌ایم. برآستی چرا چنین اتفاقی افتاد و با این معضل چه باید کرد؟ ه گزارش ایسنا، دیدار تیم های فوتبال پرسپولیس و استقلال این بار با تقابل عجیب و حاشیه سازی همراه بود که یک سمت آن آذری جهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات و سوی دیگر آن فرهاد مجیدی، سرمربی تیم فوتبال استقلال بود، چرا که این دو نوشتار و گفتاری داشتند که در جای خود قابل نقد است و بسته به شدت موضوع رخ داده باید با تذکر و حتی برخورد همراه شود.

رای یک وزیر، یک "هوادر تابوشکن"!

آذری جهرمی پیش از این دیدار، پرسپولیس بودن خود را در مقاطع زمانی مختلف نشان داده و بعضا بیان هم کرده بود. وی به صورت صریح پس از شکست تیم فوتبال پرسپولیس در فینال لیگ قهرمانان آسیا در صفحه شخصی‌اش، نوشت: «خدا فوت به بازیکنان پرسپولیس و تیم فنی و مدیریتی. پرسپولیس نتوانست پیروز شود البته ما جنبه باخت داریم (با خنده). پرسپولیس از پا نمی‌نشیند». وی در جای دیگری نیز نوشت: «پرسپولیس به هر حال قهرمان است، قهرمانی آسیا با وجود پرسپولیس اعتبار می‌گیرد نه برعکس!».

وی پس از باخت استقلال در شهرآورد ۹۵ پایتخت نیز، در تویییتی نوشت: «ولی بنظرم اون دو ستاره، سیاره بودند».

فتار آذری جهرمی در مقام یک وزیر و اعلام هواداری صریح آن هم با کری‌خوانی‌های منحصریفرده برای ورزش ایران اتفاق تازه‌ای است و شاید نخستین بار باشد که یک مقام مسئول در سطح کابینه دولت، رنگی بودن خود را تا این حد آشکار نشان می‌دهد. اما سوال این است که از چه جهاتی می‌توانیم به وزیر ارتباطات خرده بگیریم؟ آیا این تابو شکنی از سوی او در این مقطع زمانی عملی درست بوده است؟

به طور حتم هر فردی از این اختیار برخوردار است که تیم محبوبش را چه در رشته فوتبال و چه در هر رشته دیگری انتخاب کند و بی‌پرده علاقه خود را به آن نشان دهد، مسئله‌ای که آذری جهرمی نیز به عنوان یک انسان از آن مستثنی نیست، پس به چه علت موضع‌گیری رنگی وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در مقام یکی از اعضای کابینه دولت جای نقد دارد و اینگونه باعث واکنش سرمربی جوان استقلال تهران شده است؟

استقلال و پرسپولیس دو تیم دولتی هستند که صفر تا صد آن‌ها در اختیار دولت است و اعضای مجمع عمومی و رسمی این دو باشگاه را نیز وزاری ورزش و جوانان، معاون، کار و رفاه اجتماعی، امور اقتصاد و دارایی، فرهنگ و ارشاد اسلامی و نیز رییس سازمان برنامه و بودجه تشکیل می‌دهند.

بر نگاه اول کری‌خوانی محترمانه و ابراز تمایل به هیچ باشگاه و تیمی در دنیا دارای ایراد نیست، اما فوتبال ایران در بخش های مختلف خود تمایز اساسی با فوتبال دنیا دارد و باید نسبت به برخی مسائل به گونه دیگری رفتار کرد. به طور حتم اگر شاکله و ساختار فوتبال ایران نیز همانند فوتبال روز دنیا توسط بخش خصوصی اداره می‌شد، هیچ ایرادی نداشت که یک مقام مسوول علاقمندی خود را نسبت به یک تیم نشان دهد، چیزی که البته باز هم در دنیا نیز کمتر شاهد آن هستیم.

ساختار کلان ورزش ایران دارای ایرادهای اساسی است، به همین سادگی که استقلال و پرسپولیس به عنوان تیم های متعلق به وزارت ورزش و جوانان در لیگ برتر فوتبال ایران حضور دارند، تیم های دولتی که از مدت‌ها پیش قرار است به بخش خصوصی واگذار شوند اما در عمل چنین اتفاقی کماکان رخ نداده است. هواداران هر دو تیم وزارت ورزش و فدراسیون فوتبال را به حمایت از تیم رقیب متهم می‌کنند و چند سالی است که به دلیل قهرمانی‌های متوالی پرسپولیس در لیگ برتر فوتبال ایران، انتقادات نندی از سوی برخی بازیکنان، مربیان و هواداران استقلال نسبت به نگاه وزارت ورزش در حمایت از باشگاه پرسپولیس وجود دارد، مسئله‌ای که کار مسوولان این وزارتخانه سخت کرده و طی چند سال گذشته بارها و بارها بر بی طرفی در این رابطه تاکید شده است.

آذری جهرمی به عنوان یک شخصیت حقیقی از این حق برخوردار است که از هر تیمی و باشگاهی حمایت و نسبت به آن ابراز علاقه کند، اما سوال این است که آیا به عنوان شخصیتی حقوقی و بخشی از کابینه دولت که اظهاراتش می‌تواند به عنوان نظر بخشی از دولت و وزارت تحت مدیریتش تلقی شود، از این حق نیز برخوردار است که کژی‌خوانی هواداری به حمایت از یک تیم بیردازد؟ آن هم تیمی که مالکیت آن و رقیب سنتی اش در اختیار دولت است؟

یا این رفتار به شائبه‌ها دامن نمی‌زند؟ آیا چنین رفتاری به هواداران استقلال این حق را نمی‌دهد که دولت را به حمایت از رقیب خود متهم کنند؟

رای یک مربی، یک معلم جوان!

پس از شهرآورد ۹۵ فرهاد مجیدی با ادبیاتی دور از انتظار که با توهین مستقیم همراه بود، به وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات تاخت. سرمربی تیم فوتبال استقلال در شست خبری پس از دیدار تیمش مقابل پرسپولیس و در واکنش به توییت آذری جهرمی از واژه «شعور» در وصف آذری جهرمی آن هم برای حمله به وزیر جوان استفاده کرد.

دبیات فرهاد مجیدی به عنوان سرمربی تیم فوتبال استقلال که به قول خود او قشری از هواداران این تیم را جوانان تشکیل می‌دهند، غیرقابل باور بود.

مخاطب سرمربی تیم فوتبال استقلال هر که باشد، در هر جایگاه شغلی‌ای و با هر عنوانی اما به کار بردن چنین واژه‌های نامتعارفی از سوی فردی که سرمربی یک تیم اصیل و با قدمت و با هواداران میلیونی است، بعید بود. آن هم در جایگاهی که سرمربی یک تیم پرهواداری مانند استقلال می‌تواند معلم میلیون‌ها هوادار این تیم باشد. فرهاد مجیدی باید بداند که جایگاه این روزهایش متفاوت‌تر از تمام طول دوران ورزشی اوست. او در قامت یک سرمربی باید بداند از چه عبارات و واژه‌هایی استفاده می‌کند و آیا به کار بردن چنین مفاهیمی در شان نیمکت تیم استقلال هست یا خیر؟ استقلال شهرآورد را واگذار کرد اما دلیل باخت این تیم هر چیزی باشد قطعاً توییت آذری جهرمی نیست. موضوعی که باید در دل باشگاه استقلال آن را ریشه‌یابی کرد نه در حمله به ادبیات قابل نقد یک هوادار، یک وزیر!

لام آخر...

نچه در کشور ما این روزها به راحتی از کنار آن عبور می‌شود «اخلاق» است و به نظر می‌رسد باید با آن دسته از افراد که در ادای این مفهوم مهم سهل انگاری می‌کنند برخورد کرد. حال چه این برخورد در حد یک تذکر رسمی یا غیر رسمی باشد، چه محرومیت و یا جریمه نقدی. بسته به اتفاق باید هر دو مورد بررسی قرار بگیرد. در مورد تفابقات خاص بعد داری ۹۵ نیز بنظر میرسد این موضوع بعد از محکمه "وجدان" دوطرف، باید یک‌سو از طرف دولت و در سوی دیگر از سوی کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال مورد بررسی قرار گیرد. معتقدیم اگر اظهارنظر رسمی وزیر ارتباطات به دلیل ایجاد التهاب در جامعه هواداری و با توجه به دولتی بودن باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس دارای ایراد است، باید از پیشامدهای بدتر از سوی مسئولان - چه در این دولت و چه در دولت بعدی - جلوگیری به عمل آید. در مقابل نیز اظهارات فرهاد مجیدی با توجه به توهین آمیز بودن آن، باید از سوی مراجع قضایی فوتبالی به سرعت مورد بررسی قرار گیرد و تصمیم مناسبی در رابطه با آن اتخاذ شود. کنون مهم این است که در لابلای کری‌های هواداری و هیجانات غیر مرسوم هواداری، بار دیگر "اخلاق" گم نشود و در این راه نیز اسم افراد یا جایگاه‌ها برای آن‌ها مصونیت ایجاد نکند. چه این فرد "یک وزیر" باشد و چه "سرمربی". آن هم مربی یک تیم پر طرفدار با جمعیت میلیونی.